

تحلیل تطبیقی رابطه قرآن و سنت در آرای اندیشمندان

سنتی و مدرن

□ سید اسد جمال زیدی *

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی رابطه قرآن و سنت، به عنوان دو رکن اساسی تشریع در اسلام، از منظر دو جریان فکری سنتی و مدرن می‌پردازد. در نگرش سنتی، قرآن به عنوان نصّ و حیانی تغییرناپذیر و سنت به مثابه بیان‌گر و مفسر ضروری آن، دارای حجیتی مطلق و تردیدناپذیر هستند. سنت‌گرایان با استناد به آیات و روایات فراوان، سنت را مکمل قرآن و کلید فهم جزئیات شریعت می‌دانند و قلمرو عصمت پیامبر ﷺ را فراتر از دریافت و ابلاغ قرآن گسترده می‌شمرند. در این دیدگاه، اجتهاد در چارچوب اصول ثابت و روش‌های شناخته‌شده اصولی انجام می‌گیرد.

در مقابل، جریان‌های مدرن با تأثیرپذیری از عقلگرایی، هرمنوتیک و علوم انسانی جدید، به بازخوانی انتقادی این رابطه دست زده‌اند. آنان با تمایز قائل شدن بین اصول ثابت اخلاقی و احکام متغیر اجتماعی، اولویت را به قرآن داده و حجیت سنت را منوط به سازگاری با عقل، اخلاق جهانی و یافته‌های علوم جدید می‌دانند. متفکرانی مانند فضل الرحمان، نصر حامد ابوزید و عبدالکریم سروش، با نگاهی تاریخی به سنت، بسیاری از احادیث را بازتاب شرایط عصر تدوین دانسته و بر ضرورت استخراج یک نظام اخلاقی جهان‌شمول از قرآن تأکید می‌ورزند. این نگاه در نهایت به انعطاف‌پذیری بیشتر در تفسیر شریعت و در مواردی، به سویه‌های سکولار و تفکیک دین از حکومت گرایش یافته است.

مقاله حاضر با مقایسه این دو دیدگاه در محوره‌های اصلی منبع‌شناسی، روش تفسیر، نقش عقل و

*. دکتر فقه و معارف گرایش قرآن جامعة المصطفی ﷺ العالمیه.

جایگاه سنت، نشان می‌دهد که اختلافِ نظرِ بنیادین این دو جریان، ریشه در مبانی معرفت‌شناختی و جهان‌بینی متفاوت آنان دارد؛ سنتی‌ها با وحیانی و فراتاریخی دانستن سنت، به دنبال حفظ اصالت و ثبات شریعت هستند، در حالی که مدرنیست‌ها با تاریخی دیدن فهم دین، در پی تطبیق آن با مقتضیات جهان مدرن می‌باشند.

واژگان کلیدی: قرآن، سنت، اندیشمندان، سنتی، مدرن.

مقدمه

رابطه قرآن و سنت یکی از کلیدی‌ترین موضوعات در علوم اسلامی است که هم در حوزه فقه و اصول و هم در کلام و تفسیر مورد بحث قرار گرفته است. این مسئله به‌ویژه در دوران معاصر، با ظهور جریان‌های نواندیشی دینی و نقد متون حدیثی، ابعاد جدیدی یافته است. در این نوشتار، به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های اندیشمندان سنتی (متکلمان، محدثان و فقهای کلاسیک) و اندیشمندان مدرن (نوگرایان دینی و منتقدان سنت) پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق آنها را تحلیل می‌شود.

در تحلیل تطبیقی رابطه قرآن و سنت، معیارهای مدرن و سنتی را می‌توان در دو محور اصلی بررسی کرد:

منبع‌شناسی و روش تفسیر. لذا فصول آتی نگاه‌های هر دو مکاتب را در این زمینه مطرح می‌کند.

فصل اول: مبانی نظری رابطه قرآن و سنت

۱. نگرش به نص قرآن به عنوان متن وحیانی

همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که قرآن کلام الهی است و حجیت مطلق دارد.

سنت‌گرایان، معتقدند قرآن در لفظ تحریف نشده و تمام آیات آن برای همیشه معتبر است (نزاهت قرآن از تحریف) برخی مدرنیست‌ها، معتقدند اگرچه متن قرآن تحریف نشده، اما فهم سنتی از قرآن ممکن است ناقص یا نیازمند بازنگری باشد (نقد مبانی

هرمنوتیک نظریه قرائت های مختلف از دین، قربان علی هادی). عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری معتقدند فهم قرآن تاریخی است و باید با روش های هرمنوتیکی بازخوانی شود (نقد آرای هرمنوتیک مجتهد شبستری ربانی گلپائگانی). فضل الرحمن و متاثرینش نیز همین نظر را دارند (quran and women, amina wadud). برخی نوگرایان حتی احکام فقهی را تغییرپذیر می دانند (مثلاً در مورد حقوق زنان یا مجازات های حدی). به عنوان مثال به تفاسیر سنتی درباره حجاب، ارث، شهادت زن و تعدد زوجات پایبندند و آن ها را تغییرناپذیر می دانند. مدرنیست ها معتقدند آیات مربوط به زنان باید با توجه به عدالت مدرن و برابری جنسیتی بازخوانی شوند مثلاً امینا ودود معتقد است زنان می توانند امام جماعت باشند (Inside the gender jihad, amina wadud).

۲. سنت و جایگاه آن در استنباط دینی

سنت در لغت به معنای طریقه و روش است (فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص: ۱۹۵)، اما در اصطلاح اسلامی به گفتار، رفتار و تأییدهای پیامبر اکرم ﷺ اشاره دارد (الأصول العامة في الفقه المقارن، المتن، ص: ۱۱۶) که پس از قرآن به عنوان دومین منبع مهم تشریع در اسلام محسوب می شود. سنت به سه دسته تقسیم می شود: سنت قولی (احادیث و سخنان پیامبر)، سنت فعلی (اعمال و رفتار ایشان) و سنت تقریری (سکوت یا تأیید پیامبر در برابر عملکرد صحابه). این سه نوع سنت در کنار قرآن، اساس فقه و عقاید اسلامی را تشکیل می دهند و نقش حیاتی در تفسیر و تبیین احکام شرعی دارند.

جایگاه سنت در اسلام بسیار بالاست، چنان که قرآن در آیه ۷ سوره حشر می فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (آنچه را رسول الله برای شما آورده بپذیرید و از آنچه شما را بازداشته، دوری کنید). سنت نه تنها احکام کلی قرآن را تشریح می کند، مانند جزئیات نماز و حج، بلکه برخی قوانین را نیز مستقل از قرآن بیان کرده است، مانند برخی مسائل مربوط به ارث و دیات. از این رو، سنت به عنوان مکمل قرآن عمل می کند و بدون آن، درک کامل شریعت ممکن نیست.

در مقابل سنت، مفهوم «بدعت» قرار دارد که به هر نوآوری (زیادت یا نقصان) در دین بدون پایه شرعی اشاره می‌کند (رسائل شریف مرتضی، ج ۲ ص ۲۶۴) و مخالفت با اصول شریعت و عدم موافقت با سنت است (نهایه ابن اثیر، ماده بدع). پیامبر ﷺ هشدار داده‌اند که هر بدعتی گمراهی است و عواقب آن دوزخ خواهد بود (کنز العمال، ۱۱۲۵). از این رو، مسلمانان همواره تلاش کرده‌اند تا با تمسک به سنت صحیح پیامبر، از ورود افکار و اعمال نادرست به دین جلوگیری کنند.

دیدگاه مذاهب اسلامی درباره سنت متفاوت است. اهل سنت علاوه بر سنت پیامبر، سنت خلفای راشدین را نیز معتبر می‌دانند حتی بعضی‌ها، قول همه اصحاب را قبول دارند (الأصول العامة في الفقه المقارن، ص: ۱۳۵)، در حالی که شیعیان سنت پیامبر و اهل بیت ﷺ را به عنوان مفسران راستین قرآن قبول دارند (الأصول العامة في الفقه المقارن، المتن، ص: ۱۱۶). در هر صورت، سنت به عنوان الگوی عملی پیامبر، همواره راهنمای مسلمانان در فهم دین و عمل به احکام الهی بوده است و انحراف از آن به منزله دوری از تعالیم اصیل اسلامی تلقی می‌شود.

و گفتار درباره حجیت آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صادر شده، خواه قول باشد یا فعل یا تقریر، از چنان وضوحی برخوردار است که نیاز به بحث طولانی ندارد؛ چرا که بدون این حجیت، معارف اسلام روشن نمی‌شد، عمل به قرآن متوقف می‌گشت و استنباط حتی یک حکم با تمام شرایط و موانعش از قرآن ممکن نبود، زیرا بیشتر احکام قرآن برای بیان همه جزئیات مرتبط با حکم نیامده، بلکه تنها برای بیان اصل تشریع وارد شده است. (الأصول العامة في الفقه المقارن، المتن، ص: ۱۱۷)

ثابت شدن حجیت سنت پاک و مستقل بودن آن در تشریع احکام، یک ضرورت دینی است و تنها کسی که هیچ بهره‌ای از دین اسلام ندارد، با آن مخالفت می‌کند. (إرشاد الفحول: ص ۹۷)

تعریف سنت از نگاه مدرنیست‌های اسلامی

مدرنیست‌های مسلمان با نگاهی انتقادی و پویا به سنت می‌نگرند و تعریف سنت را در

چارچوبی تاریخی، انعطاف‌پذیر و متناسب با نیازهای عصر حاضر بازخوانی می‌کنند. از دیدگاه آنان، سنت تنها به معنای تقلید کورکورانه از روایات و اعمال منسوب به پیامبر ﷺ نیست، بلکه باید در پرتو عقلانیت مدرن، تحولات اجتماعی و اصول اخلاقی جهانی بازتعریف شود. (اندیشمندان مدرن مسلمان و قرآن، سها تاجی فاروقی)

ویژگی‌های سنت از دیدگاه مدرنیست‌ها

دو ویژگی مهم که در آثار خیلی از آنها دیده می‌شود، عبارتند از:

۱. تاریخی‌نگری

مدرنیست‌ها معتقدند بسیاری از احادیث و سنت‌های فقهی در بستر خاص تاریخی عصر پیامبر ﷺ و جوامع عربستان آن زمان شکل گرفته‌اند. بنابراین، برخی از این سنت‌ها ممکن است وابسته به شرایط آن دوران باشند و لزوماً نباید در جهان امروز به همان شکل اجرا شوند. (ودود، زن و قرآن)

- مثال: احکام مربوط به برده‌داری یا حقوق زنان در آن دوران با توجه به ساختار جامعه عربستان تنظیم شده بود، اما امروز باید با معیارهای حقوق بشر بازخوانی شود. جوزف شاخت (خاورشناس) جهت‌گیری خاص مسلمین موجود در منطقه خاص مثل عراق یا مدینه مطرح کرده‌ان را مرعون تاثیر زمان و مکان می‌داند. (خاستگاه فقه محمدی، شاخت) فضل الرحمان (متفکر پاکستانی) پیشنهاد "سنت پویا" را مطرح می‌کند، یعنی به جای تکیه بر روایات تاریخی، باید روح سنت را در دنیای امروز اجرا کرد.

بر اساس دیدگاه رحمان، فقها به اشتباه بخش عمده‌ای از محتوای قرآن از جمله قوانین کیفری (حدود)، حقوق خانواده و مقررات معاملات را به عنوان احکام ایده‌آل و تغییرناپذیر تلقی کرده و آنها را به شکلی ثابت در چارچوب اسلامی تثبیت نموده‌اند. به باور وی، اگر بتوان بین مفاهیم ایده‌آل و شرایط اتفاقی تمایز قائل شد و بافتار تاریخی زمان نزول قرآن را نیز در نظر گرفت، آنگاه قوانین ناشی از محتوای حقوقی قرآن که در واقع مرتبط با جامعه عصر نزول بوده‌اند، قابل بازاندیشی و اصلاح خواهند بود. به عبارت دیگر، بسیاری از این احکام

در پاسخ به نیازهای جامعه آن دوران شکل گرفته‌اند و با توجه به تغییر شرایط، لازم است مورد تجدید نظر قرار گیرند. (اندیشمندان مدرن مسلمان و قرآن، سها تاجی فاروقی) به اعتقاد آقای شبستری هرگاه ساختار ادبی و زبانی کلام الهی را از سخ کلام بشر بدانیم، نمیتوان برای آن مضمون و محتوای فراتاریخی قائل شد؛ چرا که زبان بشری پدیده‌ای تاریخی و محدود به شرایط مکانی و زمانی است. هرگاه ظرف تاریخی و محدود، باشد مظروف آن نیز تاریخی و محدود خواهد بود. (نقد آرای هرمنوتیک مجتهد شبستری ربانی گلپائگانی)

حقیقت این است که زبان جنبه تاریخی و فرا تاریخی هر دو دارد. تاریخی یا فراتاریخی بودن زبان به پشتوانه و ما به ازای آن بستگی دارد هر گاه ما به ازای زبان جنبه فراتاریخی داشته باشد زبان هم فراتاریخی خواهد بود بر این اساس، می توان فیلسوف، دانشمند مصلح اجتماعی و عالم اخلاقی فراتاریخی نیز داشت.

در میان گفته‌ها و نوشته‌های بشری نمونه‌های فراتاریخی بسیاری یافت می شود که به ابعاد گوناگون حیات انسان و جهان مربوط می شود. اصول و مبادی تفکر، بشر قواعد منطقی اصول اخلاقی قوانین ریاضی از این قبیل‌اند. آیا گزاره‌های ذیل که همگی بشری‌اند، فراتاریخی نیستند؟

اجتماع نقیضین محال است.

ارتفاع نقیضین محال است.

اجتماع ضدین ممکن نیست.

سلب شی از آن ممتنع است.

تسلسل علل نامتناهی محال است.

دور در علیت محال است.

کل از جزء خود بزرگتر است.

هر معلولی نیازمند علت است

عدالت پسندیده است.

ظلم ناپسند است.

از فاعل حکیم فعل قبیح صادر نمی شود.
امانتداری از فضایل اخلاقی است.
خیانت از رذایل اخلاقی است.
مثلث دارای سه زاویه است.
مجموع زوایای داخلی مثلث برابر با دو قائمه است.
مقادیر مساوی با یک مقدار با یکدیگر مساوی اند.
حاصل ضرب دو در دو مساوی با چهار است.
اگر زبان بشری تاریخی بود ادبیات زیر از سعدی جهان شمول و جاودانه نمی شد
بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش از یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار...

(نقد آرای هرمنوتیک مجتهد شبستری ربانی گلیانگانی)

فهم مشترک انسان‌ها باعث می شود که آثار گذشتگان را هم بفهمد و این نکته خود مجتهد شبستری هم اعتراف کرده. (هرمنوتیک کتاب و سنت، مجتهد شبستری)
از همین جهت جهانی و فراملیتی بودن پیام قرآن «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» ص، آیه ۸۷ و آیه: «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ». قلم، آیه ۵۲ (تفسیر نور، قرائتی) ضرر نمی زند. از طرف دیگر، محتوای دعوت انبیاء در تمام مراحل هماهنگ با فطرت خدادادی است و پیامبران و کتب آسمانی همدوش با هم پیش می روند. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی)

۲. تأکید بر اهداف شریعت (مقاصد الشریعه)

- به جای تمرکز صرف بر ظواهر نصی، مدرنیست‌ها بر روح و اهداف کلی اسلام مانند عدالت، آزادی و کرامت انسانی تأکید می کنند. (زن و قرآن، آمنه ودود)
- مثال: اگر سنتی مانند مجازات‌های شدید جسمانی (مثل حدّ زنا) با اصول عدالت مدرن در تضاد باشد، باید مورد بازنگری قرار گیرد.
فضل الرحمن در عین حال که از علماء اهل سنت ایراد می گیرد، می گوید که: روش واقعاً مؤثر

این می‌بود که نظامی از ارزش‌های اخلاقی جهانی بر پایه تحلیل اهداف اخلاقی قرآن بنا شود. اما آیا فقهای سنی چنین کردند؟ این امر می‌توانست از طریق توسعه یک نظام اخلاقی نظام‌مند حاصل شود که از ارزش‌های قرآنی مشتق شده باشد؛ ارزش‌هایی که یا صراحتاً در قرآن موجودند یا می‌شد آن‌ها را از علل شرعی استخراج نمود. در عوض، فقها به کاربرد غیرنظام‌مند و سلیقه‌ای اصل قیاس در فقه خود بسنده کردند. نتیجه آن که امروز مسلمانانی که می‌خواهند قانون اسلامی قابل اجرایی از قرآن استنباط کنند، ناگزیرند از نو شروع کرده و یک نظام ارزشی اخلاقی اصیل را از قرآن استخراج نمایند. (Suha Taji-Farouki modern muslim intellectuals and the quran)

در بین سنتی‌ها یک نگاه واحد وجود ندارد. بعضی‌ها می‌گویند که مقاصد هم مثل ملاکات و آثار قابلیت تعلق تکلیف ندارد و در دایره‌ی تکلیف نمی‌آید

اقای نائینی می‌گویند شارع روش دارد و آن روش را بیان کرده ما نمی‌توانیم از پیش خودمان مقاصد را به میدان بیاوریم و با آن حجاب را برداریم، دیه و ارث زن و مرد را یکی کنیم. غزالی می‌گوید آیه دین می‌فرماید «وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ»، چون مقصد خدا عدالت است من از پیش خودم عدالت را هم قید این حکم قرار می‌دهم. اهل سنت گرفتار این مقاصد غیر صحیح شدند و احکامی مانند نماز طراویح را درست کردند (بیانات آیت الله فاضل لنکرانی در نشست علمی «مقاصد الشریعه از دیدگاه مذاهب اسلامی با تأکید بر فقه امامیه، <https://fazellankarani.com/persian/lecture/24505>)

توجه به مقاصد و اهداف کلی شارع می‌تواند موجب برداشت‌های جدیدی از نصوص شرعی شود و در برخی موارد موجب توضیح یا توسعه در داللت روایات شود و یا در مواردی باعث میشود که از دلیل حکم الغای خصوصیت شده و حکم به غیر مواردی که در موضوع حکم تعمیم داده شود. شناخت قطعی مقاصد کالن شارع می‌تواند به عنوان مالکی برای ارزیابی داللت روایات قرار گیرد. اگر تعدی از مرجحات منصوصه را جایز بدانیم کما اینکه عده‌ای از علمای امامیه آنرا پذیرفته اند می‌توان موافقت با مقاصد شارع را جزء مرجحات باب تعارض دانست همانطور که علمای مقاصدی اهل سنت چنین اعتقادی دارند. برخی از مقاصد شارع مانند عدالت می‌تواند با شروطی به عنوان قاعده فقهی مطرح شود کما اینکه

اهل سنت آن را به عنوان یک قاعده مطرح کرده‌اند امام خمینی در ارتباط با حیل ربا مینویسد، «برای فرار از ربا وجوهی در متون فقهیه ذکر شده است. من با اینکه در مسأله تأمل داشتم چنین دریافتم که تخلص از ربا به هیچ وجه جایز نیست - «لذا امام خمینی با این بیان، تمام نصوص وارده در ارتباط با حیل ربا را رد کرده و معتقد است که حیله‌های ربوی نباید مجاز شمرده شود زیرا اگر این حیله‌ها پذیرفته شود باعث می‌شود که ربا از طرق دیگر نیز جایز شمرده شود که در نهایت این جواز با اهداف و اغراض شارع در تحریم ربا سازگاری ندارد. یکی از شاگردان شهید صدر نقل می‌کرد که ایشان گفت: این حیله‌ها با عدالتی که از خداوند سراغ داریم سازگاری ندارد. (نقش مقاصد الشریعه در استنباط و کارایی اجتهاد، مهدی گرامی‌پور و محمدعلی راغبی)

برای طی فرایند اکتشاف نظام، شناخت جهتگیری کلی شریعت و فهم هدف نصوص یک یا چند باب فقهی مرتبط اجتنابناپذیر است. به کارگیری مقاصد شریعت به صورت روشمند و در چارچوب فقه جواهری می‌تواند راه را بر احتیاطهای محل در فقه ببندد و بر پویایی و پاسخگو بودن فقه نسبت به تحولات جامعه بیافزاید.

قرآن محوری و نقد سنت

سید احمد خان در واقع، تمام همّت فکری او مصروف حل تعارض دین و علم و همسو کردن برترین‌های این دو برای جلب نسل جوان نخبگان مسلمان بود، (aziz ahmed, Islamic modernism in India and Pakistan)

محمد عبده و رشید رضا: معتقدند باید به قرآن اولویت داد و سنت را تنها در صورتی پذیرفت که با عقل و قرآن سازگار باشد. (الإسلام والنصرانیة ص ۷۰)

- قرآنیون مثل احمد صبحی منصور: به کلی منکر حجیت سنت هستند و فقط قرآن را معتبر می‌دانند. او می‌گوید: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۳).

پس قرآن از سوی خداوند به عنوان راهی مستقیم نازل شده تا تنها از آن پیروی کنیم و از راه‌ها و مسیرهای دیگر دنباله‌روی نکنیم تا دچار اختلاف نشویم. در این آیه شریف تأکید

شده که قرآن تنها منبع اسلام است؛ چرا که راه مستقیم نمی‌تواند بیش از یکی باشد و همان‌طور که خط مستقیم بین دو نقطه تنها یکی است و کوتاه‌ترین مسیر را نشان می‌دهد، راه‌های دیگر مبتنی بر گمان، شک و تردید هستند.

از سوی دیگر، روایات و اسناد دارای راه‌ها و مسیرهای متفرق هستند و علمای حدیث تأکید کرده‌اند که همه آنها ظنی الوصول هستند. همان‌طور که خداوند متعال در قرآن در مورد دیگر راه‌ها می‌فرماید: «وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶). این خطاب حتی به پیامبر ﷺ نیز هست که اگر از اکثر مردم پیروی کند، او را از قرآن دور می‌کنند و تنها او را به ظن و اوهام می‌کشانند.

(https://www.ahl-alquran.com/arabic/show_article.php?main_id=20)

۳. نقش عقل، هرمنوتیک و علوم انسانی

علوم انسانی اغلب با متون کلاسیک، تاریخی، ادبی، فلسفی و حقوقی سروکار دارند. هرمنوتیک قواعدی برای تفسیر این متون ارائه می‌دهد و مدرنیست‌ها از هرمنوتیک (تفسیر پویای متون) و روش‌های تحلیلی علوم اجتماعی برای فهم سنت هم استفاده می‌کنند. آنان معتقدند سنت باید با یافته‌های علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه اخلاق سازگار باشد. برخی نوگرایان حتی احکام فقهی را تغییرپذیر می‌دانند (مثلاً در مورد حقوق زنان یا مجازات‌های حدی).

مثال: نصر حامد ابوزید با روش هرمنوتیک نشان داد که برخی احادیث بازتاب فرهنگ عرب جاهلی است و نباید به‌صورت مطلق پذیرفته شود.

درک و تفسیر یک فرد از متون دینی هرگز مطلق و قطعی نیست، بلکه همواره نسبی است. این به آن دلیل است که «اطلاعات» و «پیام» الهی بسته به شرایط و ویژگی‌های فرد «دریافت‌کننده» آن، به شکل‌های مختلفی درک می‌شود.

ابوزید به شدت با این ادعا که چنین نگاهی به متن (که بر فراتر رفتن از تفسیر تحت‌اللفظی و سنتی و تأکید بر نقش مفسر است) با قرآن و الهیات اسلامی در تضاد است،

مخالفت می‌کند (Modern Muslim intellectuals and the Qur'an, suha taji farouki)

در ادامه می گوید:

این دیدگاه که تنها یک اسلام واحد و ثابت وجود دارد، با تاریخ پرتنوع اسلام در تضاد است. تاریخ اسلام شاهد ظهور جریان‌ها، مکاتب و گروه‌های متنوعی بوده که به دلایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پدید آمده‌اند و مواضع خود را با تفسیر و تلاش برای درک متون شکل داده‌اند.

پافشاری بر وجود یک اسلام واحد و نادیده گرفتن این کثرت و تنوع موجود، به دو نتیجه منجر می‌شود:

۱. به وجود آوردن یک درک ثابت و تغییرناپذیر از اسلام که تحت تأثیر حرکت تاریخ، تفاوت‌های میان جوامع و تنوع منافع گروه‌های درون یک جامعه قرار نمی‌گیرد.

۲. انحصار این درک ثابت در دست گروهی خاص (فقط متخصصان علم کلام) و فرض عاری بودن آنان از هرگونه تعصب و اشتباه انسانی. (نقد الخطاب الدینی، نصر حامد أبوزید)

تصویر واضع‌تری در بیان فضل الرحمن این است که براساس نظریه هرمنوتیک قرآنی، عمل تفسیر طی دو حرکت انجام می‌گیرد. در حرکت اول، مفسر از زمان حاضر به عصر نزول می‌رود و در حرکت دوم از عصر نزول به زمان حاضر بر می‌گردد. حرکت اول شامل دو مرحله است. در مرحله نخست از حرکت اول با شناخت تاریخی فضای فرهنگی - اجتماعی عصر نزول به فهم پیام گزاره خاصی از قرآن پرداخته می‌شود که از یک سو با مورد خاصی که گزاره مذکور پاسخی به آن بوده، در ارتباط است و از سوی دیگر با روح کلی حاکم بر پیامهای قرآن هماهنگ می‌باشد. در مرحله دوم از حرکت اول جهت حصول گزاره‌های اخلاقی - اجتماعی فراگیر، با بذل توجه به بافت تاریخی، فلسفه و علل تشریع قوانین و اصول کلی از پاسخهای جزئی انتزاع می‌شود. در حرکت دوم، مفسر باید روح آن اصول کلی را بر شرایط خاص جامعه خویش در عصر حاضر بدمد.. (نگاهی به رویکرد هرمنوتیکی فضل الرحمن در تفسیر قرآن)

Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition

ولی بزرگ‌ترین خطای راه حل تفسیر علمی این است که تفسیر قرآن دچار روزمرگی تفسیرها قرائتهای مختلف از دین و نسبیت معرفت دینی میشود و در این صورت هیچ ملاک و معیاری برای صحت و سقم فهم دینی و قرآنی در اختیار نخواهد ماند، خداوند سبحان در

قرآن کریم تصریح نموده است که قرآن به عربی مبین نازل شده است؛ با توجه به این مطلب باید به قواعد زبان شناختی و روش شناختی فهم زبان عربی پایبند بود. دست شستن از معانی ظاهری آیات و تأویل آنها برای نمونه به معنای خاص جامعه شناختی مارکس یا ماکس بر خلاف قوانین زبان شناختی است بسیاری از انحرافات تاریخ اسلام و فرقه گرایی‌ها در بستر فرهنگ دینی، از این روش غلط تطبیق و تفسیر علمی قرآن زاییده شده است. (کلام جدید اسلامی ج ۳ خسروپناه)

آیت الله جوادی می فرمایند که در فهم معارف قرآن کریم نه بهره مندی از فرهنگی خاص شرط است، تا بدون آن نیل به اسرار قرآنی میسر نباشد و نه تمدن ویژه ای مانع، تا انسانها با داشتن آن مدنیت مخصوص از لطایف قرآنی محروم باشند و یگانه زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده ی بشری است، زبان «فطرت» است که فرهنگ عمومی و مشترک همه ی انسانها در همه ی اعصار و امصار است و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره مند است

فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ (سوره روم، آیه ۳۰).

یعنی انسان‌ها در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییرناپذیر است، با هم مشترکند و قرآن کریم با همین فرهنگ با انسانها سخن می گوید، مخاطب آن فطرت انسانهاست و رسالت آن شکوفا کردن فطرتهاست و از این رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشر است.

جهانی بودن زبان قرآن کریم و اشتراك فرهنگ آن، در چهره ی اجتماع دلپذیر سلمان فارسی، صُهبی رومی، بلال حبشی، اویس قرنی و عمار و ابوذر حجازی در ساحت قدس پیامبر جهانی حضرت محمد بن عبدالله ﷺ که شعار «أرسلتُ إليّ الأبيض والأسود والأحمر» بحار الانوار ج ۱۶ ص ۳۲۴ او شهره آفاق شد، متجلی است. (تسنیم ج ۱ ص ۳۳-۳۴)

۴. تمایز بین سنت ثابت و متغیر

- مدرنیست‌ها بین اصول ثابت دین (مانند توحید و اخلاق) و احکام متغیر فقهی تفاوت قائل می‌شوند.

- به باور آنان، تنها بخش‌های اصولی و اخلاقی سنت، جاودانه هستند، اما فروع فقهی می‌توانند تغییر کنند. (اسلام و مدرنیته، فضل الرحمن)

در ادامه خلاصه‌ای جامع از نکات مهم شهید مطهری (از کتاب نظام حقوق زن در اسلام، اسلام و تجدد زندگی ۳) در این زمینه با یک سری نکات اضافی ارائه شده:

اسلام به عنوان دینی جاودان (حلال محمد حلالاً ابداً إلى يوم القيامة لایکون غیره و لایجی ء غیره (کافی ج: ۱: ۵۸)، با وجود قوانین ثابت و تغییرناپذیرش، توانایی همگامی با پیشرفت تمدن و فرهنگ و تطبیق با الگوهای متغیر زندگی را دارد. راز این توانایی در چند عامل کلیدی نهفته است:

۱. توجه به جوهر و معنا به جای شکل و قالب

اسلام با قالب‌ها و شکل‌های بیرونی زندگی که وابسته به سطح دانش بشری است، کاری ندارد. دستورات اسلام متوجه روح، معنا و هدف زندگی است. اسلام اهداف زندگی را تعیین کرده، اما ابزارها، مدل‌ها و قالب‌ها را به قلمرو دانش و مهارت سپرده است. از این رو، هیچ تعارضی با پیشرفت تمدن ندارد. هیچ شکل یا ابزار مادی‌ای در اسلام تقدس ذاتی ندارد که مسلمانان را مجبور به حفظ همیشگی آن کند.

۲. قوانین ثابت برای نیازهای ثابت و قوانین متغیر برای نیازهای متغیر

- نیازهای ثابت: برخی نیازهای انسانی (فردی یا اجتماعی) همیشگی و ثابت هستند. اسلام برای این نیازها قوانین ثابت و پایداری وضع کرده است.

- نیازهای متغیر: برخی نیازها با گذشت زمان تغییر می‌کنند. اسلام برای این نیازها، با پیوند زدن شرایط متغیر به اصول ثابت، قوانین غیردائمی و متناسب با هر عصر ایجاد می‌کند.

مثال‌ها:

- اصل قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (تا آنجا که می‌توانید نیرو فراهم کنید) یک قانون ثابت است، اما مصداق «نیرو» (مانند تیراندازی و سوارکاری در گذشته یا سلاح‌های پیشرفته امروز) متغیر است.

- اصل قرآنی «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (اموال خود را به باطل میان خود نخورید) ثابت است، اما مصادیق «باطل» می‌تواند با پیشرفت دانش و فناوری تغییر کند (مانند حرمت خرید و فروش خون در گذشته که شاید امروز به دلیل امکان استفاده مفید، تغییر یابد - شیخ طوسی رحمته الله، فتوی به حرمت آن دادند). (النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، ص: ۳۶۴) ولی با پیشرفت نسبی علم در اعصار و امصار بعد که از خون در رنگریزی لباس و دیگر موارد استفاده می‌شد مثل شیخ انصاری و حضرت امام، فتوی به حلیت معاوضه و خرید و فروش آن داده است. (کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاري، ط - الحديثة)، ج ۱، ص: ۲۷). (المکاسب المحرمة الخمينی، السيد روح الله جلد: ۱ صفحه: ۵۷)

۳. اولویت‌بندی مصالح و اهم و مهم

اسلام به پیروانش فهمانده که دستوراتش بر اساس یک سلسله مصالح و ضرورت‌هاست و حتی درجه اهمیت این مصالح را مشخص کرده است. این امر در مواردی که مصالح مختلف با هم در تعارض قرار می‌گیرند، به متخصصان آگاه اجازه می‌دهد تا با تشخیص مصلحت مهم‌تر (بر اساس چارچوب‌های اسلامی)، حکم مناسب را استنباط کنند.

۴. قواعد حاکمه و حق و تو

سلسله‌ای از اصول کلی در اسلام (مانند قاعده «لَا حَرَجَ» و «لَا ضَرَرَ» به معنای نفی حرج و ضرر) وجود دارد که مانند قواعد حاکم بر دیگر قوانین عمل می‌کنند و در واقع حق و تو بر سایر احکام دارند. این اصول، انعطاف و تطبیق‌پذیری قوانین اسلام با شرایط مختلف را ممکن می‌سازد.

۵. جایگاه حکومت و ولایت

اسلام برای حکومت صالح و شایسته اسلامی اختیاراتی قائل شده که به آن توانایی حل مسائل جدید و اداره جامعه در هر عصر را می‌دهد.

۶. اصل اجتهاد پویا

اجتهاد به معنای تخصص و توانایی استنباط احکام جدید از منابع اسلامی، موتور محرک اسلام برای تطبیق با مسائل متغیر است. اسلام با داشتن اصول ثابت و قوانین کلی، بستر لازم برای اجتهاد را فراهم کرده است. مجتهدان آگاه به زمان می‌توانند با در نظر گرفتن مقتضیات عصر، پاسخگوی نیازهای جدید باشند. البته اجتهاد امری تخصصی است و نیازمند دانش عمیق و عمری تلاش است.

خلاصه اینکه اسلام با تفکیک بین اهداف ثابت و ابزار متغیر، وضع قوانین ثابت برای نیازهای ثابت و قوانین متغیر برای نیازهای متغیر، اولویت‌بندی مصالح، قرار دادن قواعد حاکمه، اعطای اختیار به حکومت اسلامی و نهادینه کردن اجتهاد، ظرفیت ذاتی لازم برای همگامی با پیشرفت تمدن و پاسخگویی به نیازهای همه اعصار را در خود جای داده است.

۵. نقد احادیث

محمد ارکون گرایش مسلمانان به برخورد جزم‌اندیشانه با این متون را بدون پرسشگری درباره زمینه تاریخی و اجتماعی آنان مورد انتقاد قرار می‌دهد. به باور آرکون، متون اسلامی (اعم از قرآن و سنت) باید به عنوان متنی تاریخی که در بستر فرهنگی خاصی زاده شده و برای تفسیرهای گوناگون گشوده است، فهمیده شود. (Analysis of Contemporary Islamic

Milda APRILIANA)(Thought(Critical Study of Mohammed Arkoun's Thought)

براساس دیدگاه سید احمد خان، همه جزئیات موجود در کتب حدیثی را نمیتوان سنت و حیانی تلقی کرد، ولو اینکه از زبان پیامبر ﷺ صادر شده باشد؛ زیرا برخی از این جزئیات، ناشی از تفسیر وحی است، نه خود وحی. به اعتقاد او، جزئیات حدیث مانند مطالب کتاب مقدس، یادداشت‌هایی توضیحی و تفسیری بر وحیاند، نه خود وحی (بررسی دیدگاه‌های سید احمدخان هندی در تحدید قلمرو قرآن و سنت، حسن رضایی هفتادر)

جمع‌بندی تفاوت نگاه مدرنیست‌ها و سنتی‌گرایان به سنت

مدرنیست‌ها سنت را یک واقعیت تاریخیِ انعطاف‌پذیر می‌دانند که باید با عقلانیت مدرن،

اخلاق جهانی و نیازهای جامعه امروز سازگار شود. از نظر آنان، سنت پیامبر ﷺ بیشتر الهام بخش است تا یک قانون تغییرناپذیر، و مسلمانان حق دارند در چارچوب اهداف کلی شریعت، آن را بازتفسیر کنند. این نگاه، با مقاومت شدید سنتی گرایان روبه رو شده است.

فصل دوم: دیدگاه سنتی ها درباره قرآن و سنت

سنت گرایان معتقدند قرآن بدون سنت قابل فهم نیست (مثلاً آیات احکام بدون روایات تفسیری روشن نمی شود) در این زمینه ادله زیادی از قرآن و سنت می شود ذکر کرد که اینجا فقط به گفتار های مختلف از علامه طباطبایی اکتفا می شود. "در قرآن مجید اصول عقاید دینی و فضایل اخلاقی و کلیات قوانین عملی در آیات بسیاری که نیازی به نقل آنها نیست ذکر شده است. (قرآن در اسلام (طبع جدید)، ص: ۲۴)

و در مقدمه المیزان می فرمایند:

و خداوند متعال راست گفته است در علم آنان (اهل بیت) به قرآن، آنجا که فرمود:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)

و نیز فرمود:

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۷-۷۹).

و روش آنان (اهل بیت) در آموزش و تفسیر قرآن، دقیقاً همین روش بوده است، چنان که در روایات تفسیری رسیده از ایشان مشاهده می شود.

واضح تر از آن در تفسیر ایه ۴۴ سوره نحل (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) می فرمایند:

معارف الهی بدون واسطه به مردم نمی رسد، و ناگزیر باید کسی از میان ایشان به این منظور منصوب گردد و این همان غرض از رسالت است که عبارت است از تحمل وحی و

سپس ماموریت بر ابلاغ و تعلیم و بیان آن. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص: ۳۷۸)

امام شافعی در الرسالة تأکید می کند که بسیاری از آیات قرآن مجمل هستند و سنت، آنها را تفصیل می دهد. (جایگاه سنت در مبانی فقه شافعی، سید محمد جعفر سبحانی) مثلاً: قرآن دستور به "اقامه صلو" داده، ولی کیفیت نماز را سنت مشخص کرده است.

مقایسه تطبیقی سنتی ها و مدرن ها:

موضوع	سنت گرایان	مدرن ها
منبعیت سنت	سنت حجت مستقل است.	سنت تابع قرآن است یا بی اعتبار
روش تحلیل حدیث	اعتماد بر سند (علم الرجال)	نقد تاریخی و محتوایی
تفسیر قرآن	تفسیر قرآن با سنت	تفسیر مستقل قرآن
نقش، قل	عقل تابع نقل است	عقل می تواند نقاد سنت باشد
تغییر پذیری احکام	احکام ثابت اند (جز در موارد نادر)	بسیاری از احکام قابل بازنگری هستند

نتیجه

سنت گرایان معتقدند قرآن و سنت دو منبع مکمل هستند و سنت، بیان کننده جزئیات قرآن است. مدرن ها یا قرآن را کافی می دانند یا سنت را مشروط به عقل و نقد تاریخی می کنند. علت اختلاف برمی گردد به این که

سنتی ها به حجیت سنت باور دارند، در حالی که مدرن ها تحت تأثیر عقلگرایی، علم و هرمنوتیک، سنت را نقد می کنند. در واقع با نگاه امانیستی و پنداشتن قرآن مثل کلام عادی مدرن ها به شیوه عقلی افراطی جلو رفتند؛ که بر اثر خودباختگی در مقابل تمدن معاصر و با گرایشهای الحادی - که میراث نهضت علمی قرن نوزده است - به وجود آمد و سعی بر آن شد تا آیات قرآن، طبق نظریات علمی جدید تفسیر یا تأویل شود و بیشتر صبغه تحمیل را دارد تا تفسیر. (معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، جلد: ۲، صفحه: ۴۶۶)

برخی مانند فضل الرحمان و سروش تلاش کرده اند تلفیقی از هر دو نگاه را ارائه دهند، اما این راه حل ها از سوی سنتی ها رد شده است.

یکی از مستشرقان وقتی که این روند را می بیند این جوری تحلیل کرده:

در زندگینامه های مدرن، پیامبر اسلام کمتر به عنوان یک شخصیت کیهانی و معجزه گر تصویر می شود، بلکه بیشتر به عنوان یک مصلح اجتماعی پیشرو، رهبر سیاسی و الگوی فضیلت های انسانی نمایش داده می شود. معجزه واقعی او نه شکافتن ماه یا سخن گفتن نخل، بلکه تبدیل اعراب از قبایل بی قانون به امپراتوری ای منظم دانسته می شود.

این انسان‌انگاری پیامبر، به منتقدان مدرن اجازه می‌دهد تا با انعطاف‌پذیری بیشتری میراث او را تفسیر کنند. یک پیامبر معصوم و بی‌خطا کم‌ترین فضایی برای بهبود یا تغییر باقی نمی‌گذارد، اما دیدگاه انسانی و قابل خطا نسبت به محمد، الگویی قابل دسترس‌تر و قابل تطبیق‌تر با شرایط امروزی فراهم می‌آورد.

همسو با این روند، محدوده عصمت پیامبر تنها به دریافت و ابلاغ قرآن محدود شده و در سایر عرصه‌ها، او انسانی مانند دیگران در نظر گرفته می‌شود که ممکن است دچار سهو یا محدودیت‌های عادی بشری شده باشد. این دیدگاه توسط روشنفکرانی مانند سید احمد خان و محمد عبده ترویج شد.

به دنبال این تفکر، عده‌ای مانند چیراغ علی و علی عبدالرازق — با تفکیک جنبه دینی از جنبه سیاسی زندگی پیامبر — به این نتیجه رسیدند که رسالت او صرفاً معنوی بود و وی در امور حکومتی دخالتی نداشت. بدین ترتیب، با استناد به سیره پیامبر، نظریه سکولاریسم و جدایی دین از دولت توجیه شد.

در مقابل، گروه دیگری مانند اهل قرآن، به جای تفکیک دین و دنیا، میان امور ابدی و موقت تمایز قائل شدند. از نگاه آنان، قرآن شریعت ابدی است، اما سنت پیامبر — که در احادیث منعکس شده — تنها کاربرد موقت و زمینه‌ای آن در زمان خود پیامبر بوده و برای نسل‌های بعدی الزام‌آور نیست. (Rethinking Tradition in the modern Islamic thought, D. Brown)

طبیعی است ادله مانند حدیث "إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِرْثِي" (پیامبر قرآن و عترت را به عنوان دو ثقل معرفی می‌کند و مکمل قرآن در نظر گرفته می‌شود) هیچ بهایی داده نمی‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن الاثیر، مجد الدین أبوالسعادات المبارك بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، المكتبة العلمية - بيروت، ۱۳۹۹هـ

ابوزید نصر حامد، *نقد گفتمان دینی*، حسن یوسفی اشکوری محمد جواهر کلام، نشر یادآوران، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۳ ش

آزاد، علیرضا، ۱۳۸۸، *نگاهی به رویکرد هرمنوتیکی فضل الرحمان در تفسیر قرآن*، پژوهش دینی - ش ۱۹، ص ۱۰-۱۱

جوادى آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم ج ۱*؛ علی اسلامی، قم، انتشارات اسراء، ۱۳۸۸ هـ ش
حسن رضایی هفتادر، محمد قاسمی شوب، صفر نصیریان، ۱۴۰۰، *بررسی دیدگاه‌های سید احمد خان هندی در تحدید قلمرو قرآن و سنت*، سراج منیر، ش ۱۲ ص

حکیم، محمد تقی بن محمد سعید، *الأصول العامة في الفقه المقارن*، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) چاپ دوم، قم، ۱۴۱۸ ق

خسروپناه، عبدالحسین، *کلام نوین اسلامی*، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۰ هـ ش

الخمينی، روح الله موسوی، *المکاسب المحرمة*، مجتبى الطهراني، مؤسسة إسماعيليان للطباعة والنشر والتوزيع - قم - ایران

دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، *المکاسب المحرمة و البيع و الخيارات (ط- الحديثة)*، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، گروه پژوهش در کنگره، چاپ اول، قم - ایران، ۱۴۱۵ هـ ق

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله، *إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول*، الشيخ أحمد عزو عناية، دار الكتاب العربي، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق

طباطبایی، محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ هـ ش

طباطبایی، محمدحسین، *المیزان في تفسير القرآن*، چاپ دوم، بیروت مؤسسه الأعلمی للمطبوعات ۱۳۹۰ ه. ق

طباطبایی، محمدحسین، *قرآن در اسلام* (طبع جدید)، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، دار الکتب العربی، چاپ دوم، بیروت - لبنان، ۱۴۰۰ ه. ق

عبد، محمد، *الاسلام و النصرانيه مع العلم م المدنيه*، دارالحداث، ۱۹۹۸
علم الهدی، علی بن حسین، *رسائل الشريف المرتضى*، دار القرآن الکریم، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ ق.

قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸ ه. ش.
کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی* (ط - الإسلامية)، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران - ایران، ۱۴۰۷ ه. ق
گلپایگانی، ربانی، *نقد آرای هرمنوتیک مجتهد شبستری*، انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲ ش

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، چاپ ۸۶، صدرا، تهران، ۱۴۰۲ ه. ش
معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسران*، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم - ایران، ۱۳۷۹ ه. ش.
مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، آشتیانی، محمدرضا، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش.
مهدی گرامی‌پور و محمدعلی راغبی، ۱۴۰۱، *نقش مقاصد الشریعه در استنباط و کارایی اجتهاد، فقه نظام ساز*، ش ۴، ص

هادی قربانعلی، *نقد مبانی هرمنوتیکی نظریه قرائت های مختلف از دین*، انتشارات بین المللی المصطفی، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸ ش

الهندی، المتقی، *کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال*، مؤسسه الرسالة
ولایی، عیسی، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، نشرنی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۷ ش

Wadud, Amina, *Inside the Gender Jihad*, Oneworld Publications, 2008

Wadud, Amina, *Qur 'an and woman : rereading the sacred text from a woman's perspective*, 2nd edition, New York, Oxford University Press, 1999

Islam and Modernity: Transformation of an Intellectual Tradition (Chicago: The University of Chicago Press, 1982)

Schacht, Joseph, The origins of Muhammadan jurisprudence, Oxford University Press, 1967

Suha Taji-Farouki ,Modern Muslim intellectuals and the Qur'an OXFORD UNIVERSITY PRESS in association with THE INSTITUTE OF ISMAILI STUDIES LONDON

Ahmad, Aziz, Islamic modernism in India and Pakistan

APRILIANA, Milda, Analysis of Contemporary Islamic Thought (Critical Study of Mohammed Arkoun's Thought)

Brown, Rethinking Tradition in the modern Islamic thought,)

<https://mazaheb.com/?p=8910>

<https://andishehema.com/maghased-shariye-ba-takid-bar-feghh-emammiye/>

https://www.ahl-alquran.com/arabic/show_article.php?main_id=20

<https://al-islam.org/rights-women-islam-murtadha-mutahhari>

<https://alefbalib.com/index.aspx?pid=256&PdfID=510776>

<https://fazellankarani.com/persian/lecture/24505/>